



# بگرد و پیدا کن

نویسنده: بث.ل. بلیم مترجم: سارا فضل علیزاده

## با شما حرف دارم!

وقتی دختری کوچک بودم، تعطیلات عید پاک را خیلی دوست داشتم، اما نه به خاطر گل‌های قشنگ بهاری، خرگوش‌های شکلاتی یا حتی خوراکی‌های خوشمزه‌ای که صبح روز عید به طرز شگفت‌انگیزی پایین تخم پیدا می‌کردم، نه! جست‌وجوی تخم‌مرغ‌های رنگی همیشه سرگرمی مورد علاقه‌ی من در تعطیلات عید بود. در خانه‌ی ما، قایم کردن تخم‌مرغ‌های رنگی یک هنر بود. ما حتی به خرگوش عید پاک هم اجازه نمی‌دادیم این کار مهم را انجام دهد - این کار فقط مخصوص پدرم بود. پدرم وقت زیادی را صرف می‌کرد تا برای قایم کردن تخم‌مرغ‌های رنگی جای مناسبی پیدا کند. تخم‌مرغی که سبز کم‌رنگ بود بین برگ‌های یک گیاه خانگی و تخم‌مرغ زرد روشن، روی یک کامیون اسباب بازی که آن هم زرد روشن بود، محو می‌شدند. به زحمت می‌شد تخم‌مرغ‌های قرمز رنگ را در ظرفی از گوجه‌فرنگی‌های تازه و قرمز، تشخیص داد. حتی یک بار، پدرم تخم‌مرغی را که رنگش آبی روشن بود با یک بند به چوب قفس طوطی‌مان که آن هم رنگش آبی روشن بود، بست. من طوطی‌ام، جوزف، را می‌دیدم اما تخم‌مرغی را که دنبالش می‌گشتم نه! پدرم راز طراحی بهترین معماهایی را که در آن‌ها چیزی در یک تصویر پنهان می‌شد، خوب می‌دانست.

وقتی در حال طراحی معماهای تصویری این کتاب بودم، خیلی به یاد آن روزها افتادم. فهمیدن این‌که چه طور یک نهنگ را در میان شاخه‌های یک درخت یا یک فیل را در یک آب‌پاش مخفی کنم، یک چالش واقعی بود. مشکل‌تر از آن تبدیل بینی یک آدم به یک ترومپت یا سر یک دختر به یک فنجان چای بود! اما اگر به هر یک از تصاویر این کتاب خوب نگاه کنید، خواهید دید که قسمت‌های مختلف هر تصویر کم‌کم به چیزهای دیگری شبیه می‌شوند.